

تبیین نسبت‌های جهانی شدن و جهانی‌سازی با آموزه‌های دینی در عصر

پس‌اتجدد

عباس شکاری*^۱، مصطفی عباسی‌مقدم^۲، هاجر حسن‌آقایی^۳

۱. استادیار دانشکده علوم انسانی، دانشگاه کاشان

۲. استادیار دانشکده علوم انسانی، گروه الهیات دانشگاه کاشان

۳. کارشناس ارشد برنامه‌ریزی درسی دانشگاه کاشان

(تاریخ دریافت: ۹۲/۹/۴؛ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۲/۵)

چکیده

از میان رفتن مرزهای زمانی و مکانی و نزدیکی فرهنگ‌ها و جوامع، موضوعی به نام جهانی شدن را به محافل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی وارد کرده، چالش‌ها و فرصت‌هایی را برای آموزه‌های دینی ایجاد کرده است. هدف از این پژوهش تفکیک فرایند جهانی شدن و پروژه جهانی‌سازی غربی و تبیین نسبت‌های آن با آموزه‌های دینی است. روش تحقیق، توصیفی تحلیلی بود. پس از مطالعه اسناد موجود، تعاریف و نظریه‌های مختلف در زمینه جهانی شدن، جهانی‌سازی بررسی و تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها نشان داد می‌توان نسبت‌های مختلفی بین این دو مقوله با آموزه‌های دینی در نظر گرفت؛ نسبت جهانی شدن با آموزه‌های دینی، نسبت جهانی‌سازی با آموزه‌های دینی و نسبت میان جهانی شدن در وضعیت کنونی، با آموزه‌های دینی. یافته‌ها نشان داد جهانی شدن در راستای جهانی کردن دین اسلام، یکی از اهداف آموزه‌های دینی است. اما جهانی‌سازی غربی در نقطه کاملاً مخالف با آموزه‌های دینی قرار دارد.

واژگان کلیدی

ادیان جهان‌شمول، آموزه‌های دینی، جهانی‌سازی، جهانی شدن، نسبت‌ها.

۱. مقدمه

گسترش سریع و پیشرفت روزافزون فناوری اطلاعات و ارتباطات، مسئله‌ای به نام جهانی شدن را پدید آورده است. کلمه جهانی شدن ترجمه globalization است و از نظر لغوی به معنای همگانی سازی یعنی عمومی کردن چیزی و گستراندن آن است. این اصطلاح تنها از حدود دهه ۱۹۶۰ میلادی رواج یافت و تا اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی اعتبار علمی چندانی نداشت (واترز، ۱۳۷۹، ص ۱۰). جهانی شدن به درهم فشردن و تراکم آگاهی نسبت به جهان دلالت دارد (رابرتسون، ۱۳۸۰، ص ۳۵). در حقیقت، رابرتسون به جنبه اطلاع‌رسانی و فرهنگی و اجتماعی جهانی شدن بیشتر توجه کرده است. از نظر صاحب‌نظران جهانی شدن فرایندی اجتماعی است که در آن قیدوبندهای جغرافیایی که بر روابط اجتماعی و فرهنگی سایه افکنده، از بین می‌رود و مردم به طور فزاینده از کاهش این قیدوبندها آگاه می‌شوند (واترز، ۱۳۷۹، ص ۱۲).

فرهنگ‌های دور و نزدیک مرزهای جغرافیایی را درنوردیده‌اند و با یکدیگر مرتبط می‌شوند و از یکدیگر تأثیر می‌پذیرند. از تلاقی فرهنگ‌های محلی با فرهنگ‌های دیگر فرهنگ‌های جدیدی به وجود می‌آید. محققان معتقدند جهانی شدن که پدیده‌ای پیچیده و چندبعدی است، به بخشی از زندگی روزمره تبدیل شده و مرزهای محلی ملی و جهانی را پیچیده ساخته است (پینگ لیم، ۲۰۰۸، ص ۱۰۸۹). بر این اساس جهانی شدن حتی به درون خانه‌ها نیز نفوذ کرده و جزئی از زندگی مردم شده است. نه تنها آداب و رسوم و فرهنگ‌ها را متأثر کرده، بلکه فعالیت‌های روزانه مردم نیز با آن آمیخته شده است.

جهانی شدن عبارت است از فرایند فشردگی زمان و فضا که به واسطه آن مردم دنیا کم و بیش به صورتی نسبتاً آگاهانه، در جامعه‌ای واحد ادغام می‌شوند (گل محمدی، ۱۳۸۶، ص ۲۰). جهانی شدن بین جوامع گوناگون در زمان‌ها و مکان‌های دور و نزدیک، تعامل و ارتباط برقرار می‌کند و آن‌ها را آن قدر به یکدیگر نزدیک می‌کند که گویا حد و مرز و فاصله‌ای بین آن‌ها وجود ندارد. شاید به همین دلیل است که برخی معتقدند

متمایزکننده‌ترین مشخصه این دوره، در مقایسه با دوره مدرنیته، شیشه‌ای شدن مرزهای جغرافیایی و تودرتو شدن فرهنگ‌ها، اقتصادها و تأثیر و تأثر نظام‌های سیاسی به صورت هم‌زمان بر یکدیگر است (عاملی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۰). از این دیدگاه هیچ جامعه‌ای از مواجهه با فرهنگ‌ها و نظام‌های سیاسی و اقتصادی سایر جوامع مصون نیست و هیچ حد و مرزی برای جلوگیری از درگیر شدن فرهنگ‌ها باهم وجود ندارد. اما هر جامعه‌ای باید آمادگی‌های لازم برای کاهش تأثیرپذیری و افزایش تأثیرگذاری بر سایر جوامع را کسب نماید.

در مورد آغاز و پیدایش فرایند جهانی شدن نیز در بین نظریه‌پردازان مختلف اختلاف نظرهای زیادی وجود دارد. از نظر برخی جهانی شدن فرایندی است که از شروع تاریخ بشر آغاز شده و تأثیرات آن با گذشت زمان افزایش یافته، لیکن این فرایند در سال‌های اخیر جهش ناگهانی داشته است (شیرخانی، ۱۳۸۱، ص ۳۳). از این دیدگاه انسان از آغاز به دنبال جهانی شدن بوده و در تمامی دوران‌ها برای رسیدن به این هدف تلاش کرده است. جنگ‌های بسیاری که به قصد تسلط بر تمام دنیا صورت گرفته گواه این مطلب است. اما گروهی دیگر پیدایش جهانی شدن را به اوایل دهه شصت نسبت می‌دهند که مک‌لوهان بحثی با عنوان دهکده جهانی را مطرح کرد (کاستلز، ۱۳۸۰، ص ۳۹۷).

با بررسی این دیدگاه‌ها می‌توان گفت جهانی شدن فرایندی تاریخی است که طول عمری به اندازه طول عمر بشر دارد و در این مسیر به صورت طبیعی رشد پیدا کرده، اما در طول تاریخ دچار چندین جهش شده است. پیشرفت فناوری‌های ارتباطات و اطلاعات روند آن را در سال‌های اخیر سرعت بخشیده و تمام ابعاد سیاسی، فرهنگی و اجتماعی جوامع بشری در تمام نقاط کره زمین را تحت تأثیر قرار داده و مرزهای زمانی و مکانی موجود میان ملت‌ها، کشورها و فرهنگ‌های مختلف را از میان برداشته است. اما از نظر اصطلاحی و ورود به مباحث و محافل علمی و سیاسی مدت زیادی از ظهور این مفهوم نمی‌گذرد.

در کنار واژه «جهانی شدن» واژه‌ای به نام «جهانی سازی»^۱ قرار دارد. جهانی سازی پروژه‌ای سیاسی است که به دست کشورهای غربی به خصوص آمریکا طراحی و هدایت می‌شود و با خود نوعی استعمار فرهنگی به همراه دارد (هپ، ۲۰۰۲؛ لاتوش، ۱۳۷۹؛ شولت ۲۰۰۰؛ عاملی، ۱۳۸۰، ص ۱۷۱). از این دیدگاه جهانی شدن عبارت است از اراده معطوف به همگون سازی جهان (گل محمدی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۶). اما در این همگون سازی غرب سعی دارد تمامی کشورهای دنیا را با خود همسو کند. در این پروژه، جهان، جامعه و سرزمینی واحد در نظر گرفته می‌شود که مرکزیت آن آمریکاست و سیاست آن ایجاد نظامی جدید بر جهان است؛ نظامی که تلاش دارد تمامی فرهنگ‌ها، ملل و جوامع را بر فرهنگ آمریکایی منطبق کند؛ فرهنگی که مبانی نظری حاکم بر آن، مدرنیسم و پست مدرنیسم و از ویژگی‌های آن سکولاریسم، تکثرگرایی، نسبیّت باوری، اومانیزم و جزآن است.

پیشتازی آمریکا در این فرایند مرهون برتری فنی و اقتصادی و در دست داشتن رسانه‌هاست. تحقیقات نشان داده است، با اینکه سهم جهان اول از جمعیت فقط ۲۰ درصد کل جمعیت جهان است، ۸۰ درصد تولید رسانه‌ای جهان را در اختیار دارد (گالتونگ، ۱۹۹۲، ص ۲). این در حالی است که رسانه‌ها مهم ترین نقش را در جهانی شدن ایفا می‌کنند و این امکانات توانایی تأثیرگذاری و نفوذ هرچه بیشتر در جوامع و فرهنگ‌ها را برای آن‌ها فراهم می‌کند و می‌توانند جریان جهانی شدن را در راستای اهداف خود به پیش ببرند. اما جهانی شدن نوعی فرایند تاریخی است که خودبه‌خود در حال پیشرفت است. به دلیل قراردادن ابزارهای جهانی شدن در دست کشورهای غربی این دو مفهوم بسیار به هم نزدیک شده‌اند و جداکردن آن‌ها بسیار مشکل است.

در اینجا سعی شده است تا آنجا که ممکن است این دو مقوله از یکدیگر تفکیک شوند. جهانی شدن مرزهای زمانی و مکانی را از بین می‌برد و بر تمام ابعاد فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی بشر تأثیر گذاشته است. چنانچه از نظر گروهی در سالیان اخیر

1. Globalism.

نگرانی‌های بین‌المللی در مورد تأثیرات منفی جهانی‌سازی بر توسعه ملی و بومی کشورها در حال افزایش است (شکاری و رحیمی، ۱۳۸۶، ص ۱۰۲).

دین و آموزه‌های آن به عنوان عنصری از فرهنگ تحت تأثیر این پدیده و عوامل کنترل‌کننده آن قرار گرفته است. به ادعای محققان فرایند جهانی‌شدن روابط بین دین و هویت فردی آدمیان را نیز دستخوش تغییر قرار داده است (تامپلسون، ۱۹۹۹، ص ۱۰۶). منظور از دین و آموزه‌های دینی در این پژوهش دین اسلام است. هدف از این پژوهش بررسی نسبت‌های جهانی‌شدن و جهانی‌سازی با آموزه‌های دین است. برای جهانی‌شدن و دین نسبت‌هایی مطرح شده که در نسبت اول جهانی‌شدن جزئی از آموزه‌های دین است و در نسبت دوم آموزه‌های دین جزئی از جهانی‌شدن محسوب می‌شود. بین جهانی‌سازی و آموزه‌های دین نیز دو نسبت بیان شده است: نسبت اول پارادوکس آموزه‌های دین و جهانی‌سازی است و در نسبت دوم تباین جهانی‌سازی با آموزه‌های دین در دو نقطه متضاد است. در ادامه نسبت جهانی‌شدن در اختیار جهانی‌سازی و آموزه‌های دین مطرح می‌شود.

۲. یافته‌های پژوهش

۱.۲. نسبت‌های جهانی‌شدن و آموزه‌های دینی

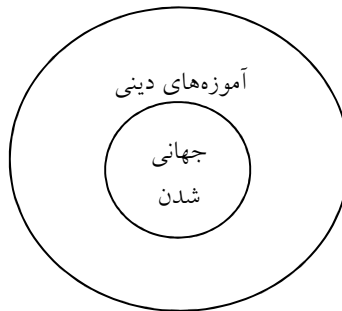
پس از بررسی تعاریف و نظریه‌های مختلف در زمینه جهانی‌شدن، این نتیجه حاصل شد که بین فرایند طبیعی و در حال رشد جهانی‌شدن و آموزه‌های دین می‌توان دو نسبت در نظر گرفت:

الف) جهانی‌شدن یکی از اهداف تربیت دینی

دین اسلام، آخرین و کامل‌ترین دین، از ابتدا ادعای جهانی‌شدن داشته است. متریان پیامبر اسلام تمامی مردم جهان‌اند: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا» (اعراف، ۱۵۸). در این زمینه کاربرد کلمات «ناس» و «جمیعا» به معنای تمامی مردم دلالت بر جهان‌شمولی آن دارد. حتی بسیاری از صاحب‌نظران غربی ادیان ابراهیمی به‌ویژه اسلام و مسیحیت را ادیان جهانی، و ادیان جهانی را شکل اولیه جهانی‌شدن قبل از پیدایش مدرنیت می‌دانند

(ترنر، ۲۰۰۱، ص ۱۳۲). از نظر آنان به طور مشخص ادیان ابراهیمی و به طور خاص دین اسلام، همه مردم جهان را به تعالیم خود دعوت کرده‌اند و نوعی جهان‌نگری در تعالیم آن‌ها به وضوح دیده می‌شود (فالک، ۱۹۹۹ به نقل از عاملی، ۱۳۸۰، ص ۱۹۵). خصوصیت مشترک دین و جهانی شدن در خصیصه فرامرز و فراملی بودن این دو مؤلفه است. به عقیده شیعه در دوران ظهور حضرت مهدی (عج) و ایجاد مرکز واحد و مدیریت و حاکمیت یگانه الهی برای همه اجتماعات، نژادها و منطقه‌ها جنگ و ظلم از میان می‌رود. در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می‌خوانیم: «پیشوایان پس از من دوازده نفرند؛ اولین آن‌ها تو هستی ای علی، و آخرین آن‌ها قائم است؛ همو که خداوند به دست او مشرق‌ها و مغرب‌ها [کنایه از تمامی کره زمین] را فتح خواهد کرد» (به نقل از سلیمان، ۱۳۹۰، ص ۱۱).

اما جهانی شدن اسلام به دلیل مطابقت با فطرت انسان‌ها تحمیلی نیست؛ فطرت خداجویی که در تمام انسان‌ها در تمام زمان‌ها و مکان‌ها مشترک است: «فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقِيمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ» (روم، ۳۰)؛ به یکتاپرستی روی به دین آور فطرتی است که خدا همه را بدان فطرت بیافریده است و در آفرینش خدا تغییری نیست. دین پاک و پایدار این است ولی بیشتر مردم نمی‌دانند». به عقیده مفسران قرآن کریم، رسالت پیامبر اسلام جهان‌شمول و ابدی و کتاب او جهانی و جاودانه و قوم او نیز همه افراد بشرند نه گروهی از مردم حجاز. قرآن با زبان جهانی فطرت سخن گفته و هر انسانی به آن آشنا و از آن بهره‌مند است و هیچ کس نمی‌تواند بیگانگی با آن را بهانه سازد. انسان‌ها در فرهنگ انسانی که همان فرهنگ فطرت پایدار و تغییرناپذیر است، با هم مشترک‌اند و قرآن کریم شکوفا کردن فطرت‌ها را برعهده دارد (جوادی آملی، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۳۲). یکی از اهداف آموزه‌های دینی جهانی کردن دین است که خود نوعی جهانی شدن است. طبق این دیدگاه می‌توان جهانی شدن را جزئی از آموزه‌های دینی در نظر گرفت. از این دیدگاه آموزه‌های دینی به چالشی برای جهانی‌سازی غربی درمی‌آید. جهانی شدن جزئی از تربیت دینی محسوب می‌شود (شکل ۱).



شکل ۱. جهانی شدن جزئی از آموزه‌های دینی

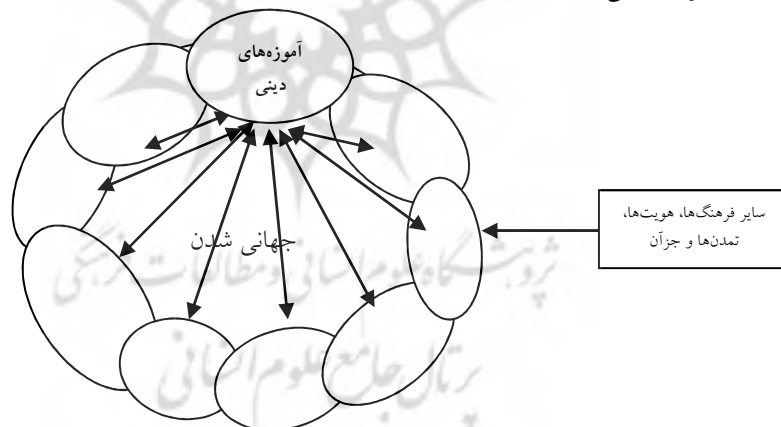
ب) تربیت دینی جزئی از جهانی شدن

در بستر جهانی شدن همواره فرهنگ‌ها با فرهنگ‌های جهانی در تعامل‌اند. فرهنگ‌ها در حالی که ماهیت خود را حفظ می‌کنند با پیوستن به یکدیگر، یک کل را تشکیل می‌دهند. از نظر گروهی از صاحب‌نظران در جهانی شدن همیشه نوعی دیالکتیک، دیالکتیک پیوسته میان امر جهانی و امر محلی برقرار است (هال، ۱۳۸۳، ص ۳۴۴). جهانی‌شدن یعنی روی آوردن به وحدت در عین کثرت (باقری، ۱۳۸۰، ص ۸). از این منظر دین و آموزه‌های دینی که یکی از عناصر فرهنگ و هویت است، تحت تأثیر جهانی شدن و جزئی از آن و جهانی شدن برای آن تهدید یا فرصت است. با مطالعه جهانی شدن درک می‌شود که یکی از آثار منفی جهانی شدن ساخت‌شکنی است. تربیت جدی، با حدود و مرزها سروکار دارد. بدون مرز سخن از تربیت به ویژه تربیت دینی به منظور انتقال آموزه‌های دین میسر نیست. با گسترش شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی و سایر رسانه‌ها به انتقال آگاهی‌ها، مهارت‌ها و ارزش‌هایی می‌پردازند که از نظر متخصصان ممکن است با محتوای نظام آموزش و پرورش متفاوت باشد (سجادی، ۱۳۸۲، ص ۱۲۳). این پدیده‌ای است که آن را «آموزش‌های ناهمسان» می‌نامند (صبوری خسروشاهی، ۱۳۸۹، ص ۱۴۲).

این تفاوت و گاهی تضاد در آموزش‌هایی که مترجمان با آن در جهان بی‌حد و مرز مواجه می‌شوند باعث می‌شود تلاش مریبان برای آموزش آموزه‌های دینی آن طور که باید

مؤثر نباشد یا حتی متربیان تحت تأثیر سایر فرهنگ‌ها قرارگیرند و از مسیر اصلی خود منحرف شوند. محققان مشاهده کرده‌اند که نسل جوان، بیشتر از نسل بزرگسال، اینترنت و رسانه‌های جمعی را به بخشی از فعالیت‌های هر روزه خود تبدیل کرده‌اند (دیویس، ۲۰۰۶ به نقل از پینگ لیم، ۲۰۰۸، ص ۱۰۸۱)؛ یعنی، این گروه بیشتر تحت تأثیر رسانه‌ها قرار می‌گیرند و اگر والدین نتوانند شیوه‌های صحیح استفاده از فناوری‌های جدید را به کودکان بیاموزند و کنترلی روی آنان نداشته باشند نتایج غیرقابل جبرانی در تمام زمینه‌ها به ویژه در زمینه تربیت دینی و انتقال آموزه‌های دینی به دنبال خواهد داشت.

جنبه دیگر این تأثیر، فرصت‌هایی است که جهانی شدن برای آموزه‌های دینی فراهم می‌کند. استفاده از فناوری فاصله‌ها را کاهش داده و ارتباط میان افراد را تسهیل کرده است. دین می‌تواند با استفاده از طراحی‌های نوین یا حرکتی پیش‌رونده، گسترش نفوذ خود را افزایش دهد و مخاطبان خود را با استفاده از فناوری‌های اطلاعات تأمین کند. همچنین، با توجه به پتانسیل‌های موجود بتواند ساختاری در خور هزاره جدید بنانهد (احمدی‌فر و صادق‌زاده، ۱۳۸۹، ص ۵۹). چون آموزه‌های دین مطابق با فطرت انسان‌هاست با برنامه‌ریزی صحیح می‌توان تهدیدها را به فرصتی برای گسترش تعالیم اسلام در سرتاسر جهان تبدیل کرد. در شکل ۲ حلقه آموزه‌های دینی در تعامل با سایر فرهنگ‌ها و هویت‌ها در زنجیره جهانی شدن نشان داده شده است.



شکل ۲. حلقه آموزه‌های دینی در تعامل با سایر فرهنگ‌ها، هویت‌ها و تمدن‌ها در زنجیره جهانی شدن

۲.۲. نسبت‌های جهانی‌سازی و آموزه‌های دینی

همچنان‌که فرایند جهانی شدن در جریان است پروژه جهانی‌سازی نیز رهبران آن هدایت می‌کنند. یافته‌ها نشان می‌دهد می‌توان بین جهانی‌سازی و آموزه‌های دین نیز دو نسبت در نظر گرفت.

الف) پارادوکس آموزه‌های دینی و جهانی‌سازی

آموزه‌های دینی ویژگی‌هایی دارد که بعضی از آن‌ها در شعارهای گردانندگان پروژه جهانی‌سازی مشاهده می‌شود و از این حیث آموزه‌های دینی با آن همسو به نظر می‌رسد. اما با بررسی دقیق این دو مقوله این همسویی از میان می‌رود. در ادامه به برخی از این ویژگی‌ها اشاره می‌کنیم.

• **برقراری عدالت.** یکی از اهداف اصلی پیامبران الهی برقراری عدالت است. «لَقَدْ

أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيُقِيمُوا النَّاسَ بِالْقِسْطِ (حدید، ۲۵)؛

ما پیامبرانمان را با دلیل‌های روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب و ترازو را نیز نازل کردیم تا مردم به عدالت عمل کنند.» خداوند هدف از رسالت پیامبران را ایجاد عدالت در جهان معرفی می‌کند. در اینجا نیز کلمه ناس به معنای مردم آمده است، یعنی منظور کل مردم جهان بوده است نه گروه خاصی از آنان. یکی از ویژگی‌های اصلی حکومت اسلامی برقراری عدالت است. عدل در نظام اسلامی باید در تمام شئون زندگی مراعات شود (شریعتمداری، ۱۳۷۹، ص ۱۵۳).

• **عدم برتری انسان‌ها نسبت به یکدیگر.** در تعالیم اسلامی تفاوت در ملیت و

قومیت یا هیچ عامل دیگری باعث برتری بر دیگری نمی‌شود و فقط وسیله‌ای برای شناخت اقوام از یکدیگر است و تمام انسان‌ها محترم‌اند. «ای مردم ما شما را از مرد و زنی آفریده‌ایم و شما را به صورت ملل و قبایل درآوردیم تا یکدیگر را بشناسید» (حجرات، ۱۳).

• **برابری زن و مرد.** قرآن در آیات زیادی به برابری زن و مرد از نظر سرشت و فطرت اشاره می‌کند و زنان را از جنس مردان می‌داند. این عقیده که زن به طفیلی مرد آمده و از یکی از اعضای بدن او به وجود آمده بی‌اساس است. امام صادق (علیه السلام) در رد این سخن می‌فرماید: «خداوند حوا را پس از آدم به طور نوظهور پدید آورد» (به نقل از جوادی آملی، ۱۳۶۹، ص ۳۵). این نظر که زن برای مرد آفریده شده است از نظر قرآن مردود است.

• **دوستی با ملت‌های دیگر (انسان‌دوستی).** اسلام به دوستی و رفتار عادلانه با ملت‌های دیگر تأکید دارد. امام علی (علیه السلام) در نامه به مالک‌اشتر به ایشان سفارش می‌کند: «با همه مردم دوست و مهربان باش ... زیرا مردم دو دسته‌اند. دسته‌ای برادر دینی تو و دسته دیگر همانند تو در آفرینش می‌باشند» (نهج البلاغه، نامه ۵۳، ص ۴۰۵). اسلام خواسته که ما خیرخواه همه مردم و همه افراد بشر حتی کفار باشیم (مطهری، ۱۳۷۴، ص ۲۵۷). به همین دلیل دانشمندان غربی نیز معتقدند قدمت مباحث اخلاقی در مورد حقوق بشر در اسلام از بسیاری از گفتمان‌های غربی بیشتر است (ترنر، ۲۰۰۱، ص ۱۳۴). بنابراین، دین اسلام قرن‌ها پیش از این به انسانیت انسان‌ها و به حقوق آنان به معنای واقعی توجه داشته است. این یعنی دوستی و احترام به تمامی ملت‌ها به دلیل انسان بودن نه به دلیل ملیت یا نژاد خاص.

• **بهره‌برداری از مادیات.** خداوند نعمت‌های زیادی به انسان عطا کرده و تعالیم اسلامی به استفاده صحیح از این نعمت‌ها و بهره‌گرفتن از آن برای آخرت سفارش می‌کند. آیات و روایات زیادی در این زمینه آمده است. «پرهیزگاران در بهترین خانه‌های دنیا سکونت کردند و بهترین خوراک‌های دنیا را خوردند و همان لذت‌هایی را چشیدند که دنیا داران چشیده بودند و از دنیا بهره گرفتند، آن‌گونه که سرکشان دنیا بهره‌مند بودند. سپس، از این جهان با زاد و توشه فراوان و تجارتي

پرسود به سوی آخرت شتافتند» (نهج البلاغه، نامه ۲۷، ص ۳۶۳). اسلام با ریاضت و رهبانیت یعنی با انزعال از اجتماع صد درصد مخالف است (مطهری، ۱۳۸۰، ص ۷۲). در آموزه‌های دین مادیات وسیله‌ای است برای رسیدن به اهدافی بالاتر و ترک دنیا و کناره‌گیری از دنیا سفارش نشده است، اما از طرفی مادیات هدف در نظر گرفته نمی‌شود.

اما تمام ویژگی‌های آموزه‌های دینی که ویژگی‌های سازگار با جهانی‌سازی ذکر شد و ظاهراً جزء اهداف جهانی‌سازی است، رنگ و بوی توحید و یکتاپرستی دارد که این در جهانی‌سازی دیده نمی‌شود. از نظر صاحب‌نظران مسلمان خدا مظهر حکمت و عدل و نیکی و قدرت است. آنکه خدا را می‌پرستد و در مسیر توحید گام برمی‌دارد در جریانی شرکت می‌کند که ارکان آن خرد، دوستی، عدالت‌خواهی، تقوا و از خودگذشتگی است (شریعتمداری، ۱۳۷۹، ص ۱۲۹). در آموزه‌های دینی، تربیت بر مبنای فطرت است. تعلیم و تربیت در اسلام یعنی پاسخ گفتن به خواست‌های ذاتی و درونی انسان که در اصطلاح قرآن، از آن به «فطرت‌الله» تعبیر شده است (احسانی، ۱۳۸۵، ص ۳۶). اما در جهانی‌سازی به فطرت خدایی انسان توجه نمی‌شود. جهانی‌شدن بر اساس الگوی اسلامی، هر گونه سلطه‌گرایی و استعمارگری و استثمارشدگی و بی‌عدالتی و نابرابری و تبعیض را نفی می‌کند، در حالی که جهانی‌شدن غربی با تحمیل و اجبار الگوهای خود بر سایر فرهنگ‌ها و جوامع، در صدد سلطه بر همه جهان است (تسخیری، ۱۳۸۲، ص ۳۱۶). براساس آیات قرآن جنسیت خاص، قدرت نظامی یا مالی، ملیت و نژاد خاص، هیچ احترامی را برای افراد به دنبال ندارد و تنها ملاک برتری در نزد خدا تقواست. در شکل ۳ پارادوکس جهانی‌سازی و آموزه‌های دینی ارائه می‌گردد.



شکل ۳. پارادوکس جهانی‌سازی و آموزه‌های دینی

ب) تباین جهانی سازی با آموزه های دینی در دو نقطه متضاد

هدف جهانی سازی غربی یکسان سازی و همگون سازی براساس فرهنگ غربی و به خصوص آمریکایی است؛ فرهنگی که به مردم دیکته می کند چه بپوشند، چه بخورند، چگونه زندگی کنند و چگونه فکر کنند (یانگ، ۲۰۰۲، ص ۱۴). به عقیده ساوجی رویکرد پسامدرن از هر هویتی هویت زدایی می کند (ضد هویت یابی، ضد این همانی، ضد همسانی) (ساوجی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۲). یکی از ویژگی های این نوع جهانی شدن پسامدرن، حمله به هویت دینی است؛ در حالی که یکی از اهداف مهم آموزه های دینی ایجاد هویت دینی در افراد است. جهانی سازی با داشتن هویتی ثابت و مشترک مخالف است و با تأکید بر هویت های گوناگون سعی در از بین بردن هویت های اصیل دارد. جهانی سازی ویژگی هایی دارد که آن را در نقطه ای کاملاً مخالف با آموزه های دینی قرار می دهد. در ادامه به برخی از این ویژگی ها اشاره می کنیم.

- **تکثرگرایی.** انسان پست مدرن بایستی برای پذیرش هر شرایطی آماده باشد و از هر گونه ثباتی اجتناب ورزد؛ بنابراین، دینداری و دین گرایی که متضمن گونه ای از ثبات اند، برای انسان پست مدرن، خودبه خود امری بی معنا و عبث تلقی می شود و حداکثر برداشتی ابزارگونه از آن خواهد داشت (شمشیری، ۱۳۸۷، ص ۶۱). از این دیدگاه هیچ امری که در همه حال درست باشد وجود ندارد. هیچ آموزه و دستورالعملی وجود ندارد که بتوان برای تمام انسان ها تجویز کرد. دین تنها برای رسیدن به اهداف مادی کاربرد دارد و این شامل دین خاصی نمی شود. اما از دیدگاه مسلمانان آموزه های دین اسلام که منشأ آن آفریدگار جهانیان است مربوط به زمان و مکان خاصی نیست و هیچ نقص و اشتباهی در آن راه ندارد.
- **نسبیت باوری.** از نظر پست مدرنیسم که یکی از مبانی نظری جهانی سازی است ارزش ثابتی وجود ندارد و ارزش ها نسبی اند و ممکن است یک ارزش در جایی به ضدارزش یا یک ضدارزش به ارزش تبدیل شود. این دیدگاه مورد نقد محققان

است. آنان معتقدند در شرایط نبود یک معیار معتبر مشترک بیرونی و معطوف به امر مورد وفاق همگانی هر چیز در نفس خود معتبر و مجاز شناخته می‌شود (ساوجی، ۱۳۸۸، ص ۱۸۸). در این صورت امکان داوری برای ارزش‌ها حتی ارزش‌های دینی وجود ندارد و ممکن است اموری که در تضاد با دین قراردارند به ارزش تبدیل شوند. اما در دین و آموزه‌های دین همواره ارزش‌هایی وجود دارند که ثابت و تغییرناپذیرند.

• سکولاریسم: دیدگاه مدرنیسم و پست مدرنیسم که اساس فکری جهانی‌سازی آمریکایی را تشکیل می‌دهند هر دو سکولاریسم‌اند. سکولاریسم اعتماد بیشتر بر جنبه‌های عقلانی انسان و فردی‌سازی دین دارد؛ یعنی، محدود ساختن حوزه نفوذ دین به جنبه‌های فردی که بیشتر هم بر ابعاد عاطفی متمرکز است (شاملی و دیگران، ۱۳۷۸، ص ۱۱). در ترکیه مشاهده می‌شود در سال ۱۹۲۴ فقط یک سال پس از تأسیس دولت سکولار آموزش و پرورش مذهبی لغو شد و امروزه پس از فرازونشیب‌هایی در این زمینه برای ایجاد تعادل میان سکولاریسم و مذهب، اسلامی آمریکایی به نام «اسلام معتدل» را انتخاب کردند (فیتز پاتریک و دیگران، ۲۰۰۹، ص ۱۶-۱۸). در جهانی‌سازی بر مبنای مدرنیسم، دین هیچ نقشی در درک و کشف پدیده‌ها ندارد. آنچه هست تنها فرهنگ مدرن غربی است. در این میان دین و مذهب همچون سنت بازمانده از گذشته، بر چسب خرافه، افسانه، توهم و خیال ناشی از ذهنیات گرفته است (شمشیری، ۱۳۸۷، ص ۵۷). از این منظر، دین تنها امری شخصی است و هرکس می‌تواند تنها در دنیای تنهایی خود از هر دینی پیروی کند و یا هیچ دینی نداشته باشد. اما در آموزه‌های اسلام دین در تمامی سطوح زندگی فردی و اجتماعی افراد و در تمام عرصه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی جوامع جریان دارد و تنها ادیان توحیدی مورد پذیرش‌اند و کامل‌ترین دین، دین اسلام است.

• **اومانيسم يا انسان‌مداری مدرن.** اندیشه انسان‌باوری مدرن‌باوری خوش‌بینانه نسبت به توانمندی‌های انسان در برابر بدبینی‌های مسیحیت سده‌های میانه دارد که به سرشت آدمی بی‌اعتماد بود (ساوجی، ۱۳۸۸، ص ۱۷۵). به گفته محققان در اندیشه مدرن انسان در مرکز هستی قرار می‌گیرد، به گونه‌ای که صحت و سقم پدیده‌ها را با قدرت عقلانی خود تعیین می‌کند. در اندیشه مدرن، رابطه انسان، جهان و خدا دگرگون شده است، زیرا بر اساس تفکر سنتی، خداوند حاکم مطلق و انسان فرع دانسته می‌شود. اما در دید مدرن، منشأ هستی و خالق آن، از حاکمیت مطلق بر انسان و جهان به زیر آورده می‌شود و با اصالت دادن به انسان، چیرگی وی بر طبیعت، محور قرار می‌گیرد (پورشافعی و آریین، ۱۳۸۸، ص ۱۱). در حالی که در تفکر توحیدی، اصل خداست و تنها معیار صفات اوست که خوب یا بد را مشخص می‌کند. بنابراین، مبنای سنجش انسان نیست بلکه خداست. در آموزه‌های دینی انسان اشرف مخلوقات و خلیفه خدا بر روی زمین است، اما از طرف دیگر عقل انسان محدود است و قدرت نامحدود تنها مخصوص خداوند است و انسان باید خود را بنده و مطیع این قدرت بداند. در شکل ۴ جهانی‌سازی و آموزه‌های دینی را در دو نقطه متضاد نشان می‌دهد.



شکل ۴. تباین جهانی‌سازی و آموزه‌های دینی در دو نقطه متضاد

۳.۲. نسبت جهانی شدن در اختیار جهانی‌سازی و آموزه‌های دینی

گفتیم کشورهای غربی سوار بر مرکب فناوری، ثروت و قدرت، پروژه جهانی‌سازی را با سوء استفاده از فرایند تاریخی جهانی شدن به جلو می‌رانند. این امر باعث شده است در

بسیاری از تحقیقات «پروسه جهانی شدن» و «پروژه جهانی‌سازی» یکی در نظر گرفته شوند و تفکیک آن‌ها از یکدیگر بسیار مشکل است. به گفته برخی، در این صورت مفهوم جهانی شدن در عواملی همچون، اقتصاد، مدرنیته و ارتباطات جهانی جست‌وجو می‌شود (رضایی زارچی و رهنما، ۱۳۸۸، ص ۲۶).

به زعم تعدادی از نظریه‌پردازان غربی، غرب با همه تمدن‌های قبل از خود تفاوت دارد، زیرا بر همه تمدن‌هایی که از سال‌های ۱۵۰۰ میلادی به این سو می‌زیسته‌اند تأثیر شگرفی گذاشته است (هانتینگتون، ۱۳۷۸، ص ۴۸۵). هانتینگتون در مقاله مشهور خود «برخورد تمدن‌ها» ستیز تمدن‌ها را جایگزین جنگ سرد می‌داند و جهانی را پیش‌بینی می‌کند با چندین کانون ائتلاف مبتنی بر تمدن (اسلامی، کنفوسیوسی، غربی و جزآن) که به ستیز با یکدیگر برمی‌خیزند و به مراجع تصمیم‌گیری در غرب گوشزد می‌کند که سیاست‌های خارجی خود را بر پایه آن و با شعار «غرب و جزغرب» تعیین و طرح‌ریزی کنند (ترکی حمد، ۱۳۸۳، ص ۴۸). بر اساس این دیدگاه جهانی شدن و اسلام رو در روی هم قرار می‌گیرند. اما اکنون کشورهای غربی به دلیل در اختیار داشتن ابزارهای پیشرفته اطلاعاتی، فناوری‌های روز و تحت کنترل داشتن بانک‌های جهانی بر سایر جوامع و فرهنگ‌ها مسلط‌اند و به گفته اندیشمندان آنچه در جریان این تسلط و حاکمیت فناوری و عدم تعادل اطلاعات اتفاق می‌افتد، حاکمیت عناصر مسلط فرهنگ غربی و در اختیار داشتن استیلای فرهنگی و استعمار، از وادی فرهنگ و در دست داشتن جهان به وسیله رسانه است (نقیب‌السادات، ۱۳۸۲، ص ۴۳). این در حالی است که مسلمانان در این زمینه ضعیف‌ترند و در عالم ارتباطات و تبادل-حتی فناوری و فرهنگ- هر چند پروسه‌ای طبیعی باشد، قوی ضعیف را پایمال می‌کند (رحیم‌پور ازغدی، ۱۳۹۰، ص ۲۰). به نظر می‌رسد از این دیدگاه جهانی‌سازی که جزئی از جهانی شدن است، بیشتر فضای آن را به خود اختصاص می‌دهد و به جهانی شدن رنگ جهانی‌سازی می‌دهد؛ آن‌چنان‌که جهانی شدن را به تهدیدی برای آموزه‌های دینی تبدیل می‌کند.

اما شاید بتوان از یک زاویه دیگر به این مسئله نگاه کرد و آن اینکه گسترش روزافزون فرهنگ مادی غرب که هیچ سنخیتی با فطرت انسان‌ها ندارد، زمینه ایجاد نیاز به دین و آموزه‌های دینی را در بین جوامع احیا کند. کمیسیون جهانی بررسی ابعاد جهانی‌شدن وجود خلأ اخلاقی را در جهانی شدن گوشزد می‌کند. امروز آرزوی قلبی مردم تأکید مجدد بر ارزش‌های بنیادین اخلاقی در زندگی اجتماعی است... جهانی‌شدن هنوز جامعه‌ای جهانی ایجاد نکرده است، اما افزایش تعامل میان مردم و کشورها، به نیاز مبرم به چارچوب اخلاقی مشترک، برجستگی خاصی می‌دهد (علیقیان، ۱۳۸۴، ص ۱۰). امروزه، مادی‌گرایی و دوری از فطرت خداجو بشر را با بحران‌های گوناگون مواجه کرده است. اما گرایش به دین و دینداری در اعماق وجود انسان‌ها وجود دارد. چنانچه گروهی معتقدند دنیا هر قدر از نظر روش‌های تربیتی، سازمان و مدیریت و برنامه‌ریزی به سوی یکی شدن نزدیک می‌شود، صرف‌نظر از مضرات آن، این حسن را دارد که در صورت تهی کردن آن از محتوای خلاف فطرت انسان که غرب بر آن تحمیل کرده است، می‌توان به تربیت انسان‌هایی دست زد که دارای آرمان‌های مشترک باشند و در جهت فطرت خود، حرکت تکاملی خویش را بازابند (کاردان و دیگران، ۱۳۷۲، ص ۱۰۹). در شکل ۵ آموزه‌های دینی در حال گسترش در خلأ ناشی از جهانی‌سازی در بستر جهانی شدن ارائه می‌گردد.



شکل ۵. آموزه‌های دینی در حال گسترش در خلأ ناشی از جهانی‌سازی در بستر جهانی شدن

۳. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی نسبت‌ها نشان می‌دهد جهانی‌شدن با آموزه‌های دینی منافاتی ندارد. اما در صورت عدم برخورد صحیح و نداشتن آمادگی لازم می‌تواند چالش‌هایی را برای آن به وجود آورد. در مقابل می‌توان با شناخت صحیح، استفاده از امکانات و معرفی چهره واقعی دین مبتنی بر فطرت اسلام، جهانی‌شدن را فرصتی برای انتقال تعالیم دینی در نظر گرفت. مهم‌تر از آن، یکی از اهداف اصلی تعالیم دین اسلام گسترش این دین، به عنوان آخرین و کامل‌ترین دین در بین تمام مردم جهان است. پس جهانی‌شدن، از ابتدای آفرینش انسان و خیلی پیش از آنکه به ذهن سیاستمداران خاکی خطور کند با هدف هدایت تمام انسان‌ها به یک نقطه، یعنی پرستش خدای یکتا و عمل به دستورهای او در برنامه پیامبران الهی قرار گرفته است. روند پیشرفت جهانی‌شدن نشان می‌دهد، تمام جوامع و فرهنگ‌ها به ناچار با آن مواجه می‌شوند. هیچ نظام تعلیم و تربیتی نمی‌تواند متریبان خود را از این فرایند دور نگه دارد یا به مبارزه با آن برخیزد، چراکه این موضع جز نابودی حاصلی ندارد. آموزه‌های دینی نیز از این امر مستثنی نیست. در این زمینه تربیت دینی باید به شکل صحیح انجام شود، یعنی اعتقاد به خدا و تقوای درونی تقویت شود؛ پذیرش عقاید بر مبنای معرفت و تعقل باشد؛ از کودکی به پرورش قوه قضاوت و تفکر انتقادی در متریبان پرداخته شود؛ کودکان به پرسش و پاسخ و مناظره همراه با دانش تشویق شوند. مریبان قبل از هر چیز باید شناخت کافی از جهانی‌شدن، تهدیدهای ممکن و آمادگی لازم برای برخورد صحیح با آن را دارا باشند و متریبان را نیز با آن آشنا کنند. در این صورت تهدیدهای جهانی‌شدن تا حد زیادی کاهش می‌یابد و با استفاده از ابزارها و رسانه‌های جدید می‌توان تعالیم دینی را به شکل جذاب‌تری ارائه کرد و جهانی‌شدن را به فرصتی برای گسترش دین جهان‌شمول اسلام تبدیل کرد. اما در برابر جهانی‌سازی باید ایستادگی و مبارزه کرد، و لازمه آن ابتدا شناخت کافی نسبت به جهانی‌سازی غربی و سپس مجهز شدن به علوم روز دنیا و فناوری‌های جدید ارتباطی و اطلاعاتی یعنی فا (It) و فاوا (Ict) و فاوای آموزشی (Icte) است.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی.

۱. احسانی، محمد (۱۳۸۵)، نظام تربیتی پیامبر اعظم ﷺ شاخصه های نظری و عملی، مجله معرفت، شماره ۱۰۸، ص ۳۴ - ۴۶.
۲. احمدی فر، مهرداد و صادق زاده قمصری، علیرضا (۱۳۸۹)، چالش‌ها و فرصت‌های پیش روی تربیت دینی در عصر «جهانی شدن»، ماهنامه مهندسی فرهنگی، سال پنجم، ۴۵ و ۴۶: مهر و آبان، ص ۵۵ - ۶۱.
۳. باقری، خسرو (۱۳۸۰)، جهانی شدن و تعلیم و تربیت اسلامی، مجله رشد معارف اسلامی، ۴۷، ص ۳-۱۲.
۴. پور شافعی، هادی و آرین، ناهید (۱۳۸۸)، پست مدرنیسم و دلالت های آن در تربیت دینی، اسلام و پژوهش های تربیتی، سال اول، شماره دوم، ص ۵-۶۰.
۵. ترکی، حمد (۱۳۸۳)، فرهنگ بومی و چالش های جهانی، ترجمه ماهر آموزگار، تهران: نشر مرکز.
۶. تسخیری، محمد علی (۱۳۸۲)، مجموعه مقالات جهانشمولی اسلام و جهانی سازی، به کوشش سید طه مرقاتی، تهران: مجمع تقریب مذاهب اسلامی.
۷. جوادی آملی، عبدالله (بی تا)، تفسیر تسنیم، ج ۱، قم: مرکز نشر اسراء.
۸. _____ (۱۳۶۹)، زن در آئینه جلال و جمال، قم: نشر رجا، چاپ اول.
۹. رابرتسون، رونالد (۱۳۸۰)، جهانی شدن: تنوری های اجتماعی و فرهنگ جهانی، ترجمه کمال پولادی، تهران: نشر ثالث و مرکز بین المللی گفتگوی تمدن ها.
۱۰. رضایی زارچی، رضا و رهنما، اکبر (۱۳۸۸)، بررسی نسبت جهانی شدن با تربیت دینی، ماهنامه مهندسی - فرهنگی، ۴ (۳۷ و ۳۸): بهمن و اسفند، ص ۲۲-۳۷.
۱۱. رحیم پورازغدی، حسن (۱۳۹۰)، کلام فرهنگ مستحق جهانی شدن است، ماهنامه جهان آینده: ماهنامه داخلی مرکز ملی جهانی شدن، ۱(۱)، ص ۱۸ - ۲۰.

۱۲. ساوجی، محمد (۱۳۸۸)، *مدرنیته و پسامدرنیسم*، فصل نامه سیاست: مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، ۳۹(۲)، ص ۱۷۱-۱۹۲.
۱۳. سجادی، سید مهدی (۱۳۸۲)، *جهانی شدن و پیامدهای آن برای تعلیم و تربیت*، مجله علوم تربیتی - روانشناسی دانشگاه شهید چمران اهواز، ۳(۳و۴)، ص ۱۱۳-۱۲۸.
۱۴. سلیمیان، خدامراد (۱۳۹۰)، *حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)*، ماهنامه جهان آینده: ماهنامه داخلی مرکز ملی جهانی شدن، سال اول، خرداد، ص ۱.
۱۵. شاملی، عباسعلی و دیگران (۱۳۷۸)، *میزگرد: تعلیم و تربیت دینی*، مجله معرفت، ۳۲، ص ۹-۱۸.
۱۶. شریعتمداری، علی‌اکبر (۱۳۷۹)، *تعلیم و تربیت اسلامی*، تهران انتشارات امیرکبیر، چاپ ۱۵.
۱۷. شکاری، عباس و رحیمی، علی (۱۳۸۶)، *بیدا و پنهان جهانی شدن*، تهران: اندیشه نوین، چاپ اول، ص ۱۶۷-۲۰۰.
۱۸. شمشیری، بابک (۱۳۸۷)، *جهانی شدن و تربیت دینی از منظر مدرنیسم*، پست مدرنیسم و عرفان اسلامی، دومه‌نامه علمی - پژوهشی دانشور، دانشگاه شاهد، سال پانزدهم، شماره ۳۰، ص ۵۳-۷۰.
۱۹. شیرخانی، علی (۱۳۸۱)، *آینده باورها و اعتقادات دینی در پروسه جهانی شدن*، مجله بازتاب اندیشه، آذر، ص ۳۲-۴۱.
۲۰. صبوری خسروشاهی، حبیب (۱۳۸۹)، *آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن: چالش‌ها و راهبردهای مواجهه با آن*، فصلنامه مطالعات جهانی شدن، سال اول، ص ۱۰۸-۱۵۲.
۲۱. عاملی، سعید رضا (۱۳۸۰)، *تعامل جهانی شدن، شهرنویسی و دین*، فصلنامه علوم اجتماعی، ۱۸، ص ۱۶۷-۲۰۰.
۲۲. کاردان، علی محمد و دیگران (۱۳۷۲)، *درآمدی بر تعلیم و تربیت اسلامی (۱): فلسفه تعلیم و تربیت (جلد اول)*، تهران: نشر سمت، چاپ اول.
۲۳. کارگر، رحیم (۱۳۸۷)، *جهانی شدن و حکومت جهانی حضرت مهدی (عج)*، نشر مرکز تخصصی مهدویت: قم، چاپ اول.
۲۴. کاستلز، امانوئل (۱۳۸۰)، *عصر اطلاعات*، ترجمه حسین چاوشیان، جلد دوم، تهران: انتشارات طرح نو.

۲۵. کمیسیون جهانی جهانی شدن (۱۳۸۳)، بررسی ابعاد جهانی شدن، جهانی شدن منصفانه: ایجاد فرصت برای همه، ترجمه عبدالاحد علیقلیان، تهران: شرکت انتشارات علمی فرهنگی، چ اول.

۲۶. گل محمدی، احمد (۱۳۸۶)، جهانی شدن و فرهنگ، هویت، تهران: نشر نی، چاپ سوم.

۲۷. لاتوش، سرژ (۱۳۷۹)، غربی سازی جهان، ترجمه امیر رضایی، تهران: نشر قصیده.

۲۸. نقیب السادات، سیدرضا (۱۳۸۲)، بازیگران بی نشان، مجله بازتاب اندیشه، ۱۰، ص ۳۸-۴۵.

۲۹. مطهری، مرتضی (۱۳۷۴)، تعلیم و تربیت در اسلام، قم: نشر صدرا، چاپ سوم.

۳۰. _____ (۱۳۸۰)، احیای تفکر اسلامی، تهران: انتشارات صدرا.

۳۱. هال، استوارت (۱۳۸۳)، هویت های قدیم و جدید، قومیت های قدیم و جدید، ترجمه

شهریار وقفی پور، مجله ارغنون، شماره ۲۴، ص ۳۱۹-۳۵۲.

۳۲. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۸)، برخورد تمدن ها و بازسازی نظم جهانی، ترجمه محمد علی

حمید رفیعی، تهران: دفتر پژوهش های فرهنگی.

۳۳. واترز، مالکوم (۱۳۷۹)، جهانی شدن، ترجمه اسماعیل مردانی گیوی و سیاوش مریدی،

تهران: انتشارات سازمان مدیریت صنعتی.

34. Davies, L. (2006), *Global citizenship: Abstraction or framework for action?*, Educational Review 58(1), usa: 5-25.

35. Falk, R. (1999), *The Monotheistic Religions in the Era of Globalization* ,in ,Global Dialogue, No.1.

36. Fitzpatrick, M & others. (2009), *Globalization and education policy in Turkey*, Education and Globalization, University of Illinois at Urbana-Champaign, 9, 2009: 1-34 .

37. Galtung, C. (1992), *Global Clashost*, Hampton press new jersey.

38. Hope S. (2002), *The Challenges of Globalization to Religious Education: Some Experiences and Reflections from Asia*, journal of Religious Education 97, no. 3: 226-237.

39. Ping Lim, C. (2008), *Global citizenship education, school curriculum and games: Learning Mathematics, English and Science as a global citizen*, journal of Computers & Education, 51: 1073-1093.

40. Scholte, J.A. (2000), *Globalization Acritical*, introduction, London ,12.

41. Tomlinson, J. (1999), *Globalization and culture*, Cambridge: Polity.

42. Turner, S. (2001), *Cosmopolitan Virtue: On Religion in a Global Age*, European Journal of Social Theory, 4 (2): 131-152.

43. Yang, T. (2001), *Inter religious and intercultural dialogue in the Mediterranean Area During a period of globalization*, prospects 101.